یادداشت

سرگذشت منطقه ما؛ خاورمیانه (۳)

مقدادتوانانیا
پژوهشگر خاورمیانه و علوم سیاسی

در اواخر قرن هجدهم که سپاهیان جدید عثمانی نخست تشکل پیدا کردند، اقتباس از اسلحه و مشق و تمرین اروپایی برای آنان ضروری بود، ولی اقتباس پوشاک ضرورتی نداشت. این گزینه‌ای اجتماعی بود، نه نظامی که مع‌الوصف تقریبا در همه ارتش‌های نوین ممالک اسلامی، حتی در لیبی و جمهوری اسلامی ایران، به کار بسته شده است. کشورهای اسلامی ناچار بودند از تسلیحات و تدابیر جنگی غربیان استفاده کنند، چون اینها طراز اول و ثمربخش بود، ولی اجباری نداشتند که فرنج چسبان بپوشند و کلاه افراشته بر سر نهند، ولی این کار را کردند و هنوز هم می‌کنند. این تغییر سبک نشانی است از تداوم اقتدار و جاذبه فرهنگی غربی، حتی در میان کسانی که آن را به‌شدت و صراحت می‌کوبند. پوشش سر، حتی در اونیفرم نظامی، آخرین چیزی بود که تغییر کرد، و مرد قهوه‌خانه‌نشین امروزه هم در اکثر ممالک عربی احتمالا گونه‌ای کلاه سنتی، شاید یک چفیه، بر سر دارد، که طرح و رنگ آن چه‌بسا نمایانگر وابستگی قومی و محلی اوست. در اهمیت نمادین سر و پوشش سر تردیدی نیست. ولی برای مسلمانان این مشکل اضافی پیش می‌آمد که کلاه‌های لبه‌دار و نوک‌تیز فرنگی مزاحم اقامه نماز و نیایش بود. ارتش‌های مسلمان خاورمیانه، تا مدتی مدید پس از آنکه لباس متحدالشکل کم‌وبیش سبک غربی در بر کردند، کلاه فرنگی بر سر ننهاده و پوشش سنتی خود را همچنان نگه داشتند. سلطان محمد دوم (سلطنت ۱۸۰۸-۱۸۳۹ میلادی)، یکی از اصلاح‌طلبان عمده قرن نوزدهم، کلاه فینه را -که در عربی به آن طربوش می‌گویند- باب کرد. این کلاه که در ابتدا بدعت کفار خوانده شد و مورد اعتراض و انزجار قرار گرفت، سرانجام قبول عام یافت و حتی نماد مسلمین شد. به‌همین‌دلیل، الغای آن در ۱۹۲۵ میلادی از سوی کمال آتاتورک، نخستین رئیس‌جمهور ترکیه، به همان شدت عرضه‌داشت اولش به مخالفت برخورد. آتاتورک، که در خودنمایی اجتماعی ید طولایی داشت، وقتی استعمال فینه و دیگر پوشش‌های سر موسوم مردان را موقوف کرد و به جای آنها کلاه فرنگی آورد، در پی هوس باطلی نبود. این تصمیم اجتماعی خطیری بود و آتاتورک و اطرافیانش خوب می‌دانستند چه دارند می‌کنند. البته همین‌طور کسانی که با آنها به مخالفت برخاستند. این بار اولی نبود که چنین تغییری روی می‌داد. در قرن سیزدهم، هنگام یورش بزرگ مغول به قلب سرزمین‌های اسلامی خاورمیانه و انقیاد مردمان برای نخستین مرتبه پس از زمان پیغمبر به دست فاتحی نامسلمان، مسلمانان خود، دست‌کم در امور نظامی، به تقلید از راه و روش مغول‌ها پرداختند. امیران نامدار سپاه اسلام، حتی در خاک مصر، که هیچ‌گاه به تصرف مغول درنیامد، لباس مغولی پوشیدند، زین و برگ مغولی بر اسب‌های‌شان نهادند، و به جای موی کوتاه معمول مسلمین، گیسوی بلند به رسم مغولان گذاشتند. دلیل بر گفتن پوشاک، تجهیزات و ساز و برگ مغولی در آن دوران همانی بود که امروزه سپاه‌های اسلامی را به پوشیدن فرنج چسبان و کلاه لبه‌دار وامی‌دارد، این لباس، لباس پیروزی بود و سر و وضع و رفتار و ویژگی‌های بزرگ‌ترین نیروی نظامی جهان آن روز را نشان می‌داد. بنا بر روایات، موی بلند سر و ساز و برگ به سبک مغولان تا حدود ۱۳۱۵ میلادی ادامه یافت و پس از آنکه فرمانروایان مغول خاورمیانه خود به اسلام پیوستند و به رنگ جامعه درآمدند، سلطان مصر به افسرانش فرمان داد کاکل‌های بلندشان را بچینند، اداهای مغولی را درمورد خود و نیز درمورد اسب‌های‌شان کنار بگذارند، و به البسه متعارف اسلامی و به تجهیزات و زین و یراق سنتی بازگردند. این بازگشت هنوز در ارتش‌های امروزی اسلام انجام نشده است. پس از قشون نوبت دربار شد. سلطان خود لباس فرنگی به تن کرد، ولی آن را تغییر داده بودند که قدری متفاوت بنماید، اما این تفاوت چندان محسوس نبود. آتاتورک لب مطلب را گفت: «ما می‌خواهیم لباس متمدن بپوشیم»، اما معنی این حرف چیست؟ و چرا البسه تمدن‌هایی بس کهن‌تر باید نامتمدن پنداشته شود؟ مفهوم تمدن برای آتاتورک تمدن جدید، به سخن دیگر تمدن غربی، بود. پس از سلطان، دربار هم شروع به پوشیدن لباس فرنگی کرد. دربار نخستین جایی بود که سلاطین می‌توانستند به غیرنظامیان فرمان دهند و آنها را از نظر لباس به اطاعت وادارند. مأموران دربار عثمانی کت و شلوار فراک به تن کردند.

میراث تلخ نیکسون برای ترامپ

ادامه از صفحه ۲

آنچه این روزها از سمت دیپلمات‌های پیشین آمریکایی در پرونده ایران می‌بینیم، تازه پیش‌نمایش یک تهاجم بزرگ داخلی علیه رئیس‌جمهوری آمریکاست. جنبش «نه به پادشاهی» رویکردی ویژه است که از حدود یک سال پیش علیه رفتار ترامپ به راه افتاده است. از سوی دیگر، جامعه مهاجران آمریکا از مدل رفتاری «جنوبی‌ها» (برخوردهای نژادپرستانه دوران جنگ داخلی) به‌شدت خشمگین هستند. ناگفته نماند که ماجرای بگومگوی ترامپ با پاپ لئو هم تأثیر خودش را در جامعه کاتولیک‌های آمریکا می‌گذارد. جدی‌ترین نقد مخالفان سیاسی ترامپ در ساختار حاکمیتی ایالات متحده این است که رئیس‌جمهوری آمریکا تعمدا سطح خشونت سیاسی در این کشور را بالا برده است. ماجرای کودتای نافرجام ششم ژانویه و تسخیر کاپیتال، هنوز در ذهن واشینگتن و «دولت مخفی» آمریکا سنگینی می‌کند. در این میان نظریه «رئیس‌جمهوری زخمی» به موازات «نمایش ترور در هتل هیلتون» داغ شده است. در حالی که ترامپ سعی می‌کند از این ترور نافرجام چهره‌ای مظلوم و مقتدر بسازد، منتقدان می‌گویند او تمرکز خود را بر اداره کشور از دست داده و فقط به دنبال «انتقام» و «دستاوردسازی» شخصی است تا ضعف خود را بپوشاند.

محاصره در محاصره؛ از هرمز تا واشینگتن

داستان اصلی امروز نه در چالش داخلی کاخ‌سفید، که در آب‌های نیلگون خلیج فارس نهفته است. استراتژی «محاصره در محاصره» و چارچوب دریایی سخت ذیل معادله جنگ ایران و آمریکا، همچنان موتور محرک تحولات است. لغو نشست دوم اسلام‌آباد و تمدید آتش‌بس در وضعیت «نه جنگ، نه صلح»، نشان‌دهنده استیصال دیپلماتیک واشینگتن است. برای جهان، سرنوشت جریان انرژی در تنگه هرمز بسیار حیاتی‌تر از بقای سیاسی رئیس‌جمهوری است که درگیر «مصیبت ۶۰روزه» شده است. ۱۱ اردیبهشت برای ترامپ، مرز میان «رئیس‌جمهوری مقتدر» و «رئیس‌جمهوری قانون‌شکن» است. اگر مرد دیوانه نتواند تا آن روز تهران را به پای میز مذاکره (در مسقط یا اسلام‌آباد) بکشاند، ادبیات تهاجمی او در برابر ساختار حقوقی واشینگتن رنگ خواهد باخت. ایالات متحده در وضعیتی قرار گرفته که نه توان خروج کامل از باتلاق خودساخته را دارد و نه ابزار قانونی برای ادامه مسیر به شکل فعلی را در اختیار گرفته است. تهاجمی که قرار بود نمایش قدرت باشد، اکنون در «مه صلح» ناشی از آتش‌بس‌های اجباری گم شده است. حقیقت آن است که اگر در روزهای باقی‌مانده، معامله‌ای کلان در چانه‌زنی‌های آشکار و پنهان شکل نگیرد، ترامپ باید میان دو گزینه سخت انتخاب کند: پذیرش یک شکست قانونی در داخل که اقتدار او را پس از ماجرای ترور بیشتر مخدوش می‌کند، یا فرورفتن در جنگی که نه در میدان نبرد و نه در صحن کنگره برنده‌ای برای آن متصور نیست.

چگونه جنگ اوکراین کیم جونگ اون را به بازیگر جهانی تبدیل کرد؟

خروج از پیله انزوا

مهسا مژدهی: کره شمالی اولین موزه خود برای بزرگداشت سربازان جنگ روسیه و اوکراین را با هدف نمایش اتحاد بزرگ میان پیونگ‌یانگ و مسکو تأسیس کرد. در اخبار و تصاویری که خبرگزاری‌های این کشور به بیرون درز داده‌اند؛ همه چیز باشکوه و یادآور نظم و در ستایش سلحشوری است.

نمایش اتحاد در پیونگ‌یانگ

سازمان اطلاعات کره جنوبی برآورد کرده است کره شمالی حدود ۱۵ هزار سرباز برای جنگ در منطقه کورسک اعزام کرده و حدود دو هزار نفر از آنها کشته شده‌اند. مسکو و پیونگ‌یانگ هیچ آمار رسمی‌ای اعلام نکرده‌اند. با وجود اینکه تمام اتفاقات در مورد همکاری روسیه و کره شمالی در جنگ با اوکراین تقریبا محرمانه بوده و جزئیاتی از آنها از سوی دو کشور منتشر نشده است، مسکو و پیونگ‌یانگ در نمایش همکاری مرموز خود کم نگذاشتند. در مراسمی که روز یکشنبه در ستایش سربازان کره شمالی برگزار شد، مقامات ارشد دو کشور با شادی و شعف از همکاری‌های دوطرفه پرده برداشتند. مراسم افتتاح موزه یادبود افتخارات رزمی در عملیات‌های نظامی برون‌مرزی روز یکشنبه برگزار شد. این مراسم همچنین نخستین سالگرد آنچه دو کشور پایان عملیات آزادسازی منطقه مرزی کورسک روسیه از یک نفوذ اوکراینی توصیف می‌کنند را گرامی داشت. در این مراسم، کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی با لباس رسمی و کت‌وشلواری خوش‌دوخت حاضر شد که ربطی به یونیفورم نظامی که اغلب به تن می‌کند نداشت. همراه با کیم، مقام‌های ارشد روس از جمله رئیس دومای دولتی، ویاچسلاو ولودین و وزیر دفاع، آندری بلوسوف هم در پیونگ‌یانگ حضور داشتند.

ریشه همکاری در کجاست؟

در ژوئن سال ۲۰۲۴، ولادیمیر پوتین که از سوی غرب به دلیل به راه‌انداختن جنگ با اوکراین تحت تحریم و فشار فراوان بود، راهی کره شمالی شد تا اولین دیدار یک مقام ارشد روس از پیونگ‌یانگ را بعد از یک‌چهارم قرن رقم بزند. او به محض رسیدن به پیونگ‌یانگ با تصاویر قدی خود و استقبالی کم‌نظیر مواجه شد. در آن دوره، دولت کره شمالی که سال‌های بحرانی پس از کرونا را پشت سر گذاشته بود، منتظر روزنه‌ای بود تا بتواند فقر افسارگسیخته و بحران‌های پی‌درپی در تأمین خوراک و حقوق کارمندان را تا اندازه‌ای سروسامان بدهد. پیمان مشارکت راهبردی جامع که آن دو در آن روز امضا کردند، رابطه‌ای که از زمان حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ به‌طور آرام در حال شکل‌گیری بود را در نظر همگان آشکار کرده و رسمیت بخشید. این پیمان مشارکت یک اتحاد نظامی میان دو کشور مجهز به سلاح هسته‌ای بود که هر دو در عرصه بین‌المللی به‌نوعی طرد شده بودند. طبق گزارش فارن‌افرز تا اکتبر ۲۰۲۴، حدود ۱۱ هزار نیروی کره شمالی عمدتا در منطقه کورسک در امتداد مرز شمال شرقی اوکراین مستقر شدند تا از عملیات‌های رزمی روسیه حمایت کنند. تا اواخر آوریل ۲۰۲۵، ارزیابی‌های اطلاعاتی کره جنوبی تعداد نیروهای پیونگ‌یانگ را حدود ۱۵ هزار نفر برآورد کرد و دست‌کم نیمی از این تعداد همچنان در منطقه باقی مانده‌اند. بر اساس آخرین گزارش‌ها در فوریه ۲۰۲۵، رئیس اطلاعات نظامی اوکراین علنا ادعا کرد کره شمالی حدود نیمی از مهماتی را که روسیه در جبهه استفاده می‌کند، تأمین می‌کند. بر اساس برآوردهای اطلاعاتی اوکراین در نوامبر ۲۰۲۵، کره شمالی از سال ۲۰۲۳ حدود ۶.۵ میلیون گلوله توپخانه به روسیه داده و از اواخر ۲۰۲۴ نیز سامانه‌های پیشرفته توپخانه دوربرد خودکششی و راکت‌اندازهای چندگانه در اختیار آن گذاشته است. رسانه‌های غربی و منتقد جنگ اوکراین معتقدند کره شمالی به یکی از تأمین‌کنندگان کلیدی مهمات توپخانه، برخی موشک‌ها و نیروی انسانی برای روسیه تبدیل شده و جنگ را به مرحله دیگری برده که خون‌بارتر و خشن‌تر از سال‌های اول است.

نگرانی‌ها چیست؟

شراکت کره شمالی به عنوان کشوری هسته‌ای که خود را نسبت به هیچ قدرتی در جهان پاسخ‌گو نمی‌داند، همواره اقدامی خطرناک ارزیابی می‌شود. این کشور که دهه‌هاست در انزوایی تمام و کمال به سر برده و ارتباطاتش به اندازه انگشتان یک دست هم نمی‌رسد، می‌تواند فقط با اعلام آزمایش‌های خود تشویش بیافریند. در شبه‌جزیره کره، همیشه این تصور وجود دارد که پیونگ‌یانگ آماده است تا اوضاع را وخیم‌تر کرده و امنیت را به هم بریزد. همکاری میان روسیه و کره شمالی از مواردی است که باعث شده کره جنوبی و کشورهای حامی اوکراین، به این کشور به عنوان بمبی نگاه کنند که هنوز ضامنش کشیده نشده اما هر لحظه ممکن است عمل کند. کره شمالی نه‌تنها از روسیه توانمندی‌های نظامی و از جنگ تجربه کسب کرده و دیگر ارتشی دست‌وپاچلفتی و بی‌اطلاع از جنگ‌های جدید ندارد، بلکه روابط اقتصادی و دیپلماتیک عمیق‌تر با مسکو بخشی از فشاری که دهه‌ها این کشور را وابسته به چین نگه داشته بود، کاهش داده است. پیونگ‌یانگ با اعتمادبه‌نفس بیشتر در توان نظامی متعارف و امکان بازی‌دادن دو قدرت بزرگ در برابر یکدیگر، با محدودیت‌های کمتری روبه‌روست. تحلیلگرانی که ضد اتحاد روسیه و کره شمالی می‌نویسند، معتقدند اگر پیونگ‌یانگ دست به تجاوز علیه همسایه جنوبی بزند، چنین جنگی احتمالا محدود به دو کره نخواهد بود و روسیه و چین را هم درگیر خواهد کرد و منطقه را به آتش می‌کشاند.

کیم دیگر تنها نیست

رهبران کره شمالی از زمان جنگ بین دو کره، همواره خود را تنها و جداافتاده دیده‌اند. این وضعیت در نهایت به پایان رسیده و جنگ اوکراین آنها را از وضعیتی بسیار ناگوار نجات داده است. پیونگ‌یانگ برخلاف گذشته قادر است اتحادهایی مؤثر و دیدنی بسازد. با وجود اینکه خلع سلاح این کشور و رسیدن به یک توافق یا حتی دیداری با مقامات ایالات متحده دست‌کم در حال حاضر در دستور کار واشنگتن و پیونگ‌یانگ نیست، اما کیم جونگ اون راه خود را در میانه آشوب و سختی پیدا کرده است. او خود را در قلب سنگی پوتین جا داده، با پکن متحد است و نقش خود را به عنوان فردی که جنگ در روسیه را به مرحله بالاتری برده، مدام به رخ جهان و البته روس‌ها می‌کشد.

اگر جنگی در بگیرد...

در سال ۱۹۵۰، جنگ کره باعث شد ایالات متحده به شبه‌جزیره کره لشکرکشی کند و هم‌زمان چینی‌ها به دنبال آن باشند تا متحدان خود را نجات دهند. سه سال جنگ هولناک، در نهایت به آتش‌بسی انجامید که هرگز به صلح تبدیل نشد. از نظر فنی، کره شمالی و جنوبی هرگز از اوضاع خصمانه پیشین فاصله نگرفتند و یک جرقه ممکن است روزی آنها را رودرروی یکدیگر قرار دهد.

تجربیاتی که کره شمالی در اوکراین به دست می‌آورد، توان این کشور را برای حملات محدود افزایش می‌دهد و خطر تشدید درگیری را بالا می‌برد. با همه اینها، کره جنوبی ارتشی مدرن با نیم‌میلیون نیرو و آمادگی چنددهه‌ای و حمایت بی‌چون‌وچرای غرب در آن سوی مرز قرار دارد. این توانمندی اما باعث نمی‌شود کسی نداند که کره شمالی به‌جز سلاح هسته‌ای از چه مزیت‌های دیگری از جمله نزدیکی سئول به مرز و توان آتش سنگین توپخانه‌ای برخوردار است. علاوه بر مزیت‌های نظامی، مسئله حمایت روسیه و چین هم جدی و غیرقابل چشم‌پوشی است. طبعا مسکو و پکن از درگیری گسترده در شبه‌جزیره کره استقبال نمی‌کنند، با این حال برای کیم حالا پشت‌گرمی فراوانی وجود دارد تا هنگام فکرکردن به رؤیاهایش، جسورتر بوده و حتی در رقابت‌های منطقه‌ای با تهور بیشتری قدم بردارد. روابط با روسیه گزینه‌های راهبردی جدیدی به کره شمالی داده است. در گذشته، وابستگی شدید به چین محدودکننده بود. چین تأمین‌کننده اصلی غذا، انرژی و تجارت بود و در بحران‌ها کمک حیاتی ارائه می‌داد. در عین حال، پکن از اعمال فشار شدید خودداری می‌کرد تا از فروپاشی یا جنگ جلوگیری کند، اما حالا معادلات بیشتر از قبل به نفع پیونگ‌یانگ رقم خورده‌اند.

سایه بلند هفتم اکتبر و اتحاد دوباره نفتالی بنت و یائیر لاپید

ائتلاف علیه نتانیاهو

شرق: نفتالی بنت و یائیر لاپید با هدف پایان‌دادن به حاکمیت بنیامین نتانیاهو، ائتلافی جدید برای انتخابات اکتبر امسال تشکیل دادند. این دو چهره اعلام کردند در صورت پیروزی، در نخستین روز، کمیسیون تحقیق درباره فاجعه هفتم اکتبر را تأسیس می‌کنند. به این ترتیب، خون‌بارترین حمله در تاریخ اسرائیل اکنون به نقطه کانونی برای فروپاشی یک کابینه و تولد یک ائتلاف متناقض تبدیل شده است. ائتلاف جدید با محوریت نفتالی بنت و همراهی یائیر لاپید، زنگ خطر را برای نتانیاهو به صدا درآورد. گزارش‌های متعدد نشان می‌دهد این دو رهبر قصد دارند احزاب خود را در یک جناح واحد به رهبری بنت ادغام کنند. این ساختار که نماد مشارکت برخی جریان‌های راست و مرکز است، هدفی جز تسخیر قدرت در انتخابات امسال ندارد. بنت به‌صراحت وعده داده در همان روز نخست تشکیل کابینه، کمیسیون تحقیق دولتی برای بررسی شکست‌های امنیتی برابر حمله هفتم اکتبر به رهبری حماس تشکیل دهد. این وعده در حالی مطرح می‌شود که افکار عمومی تشنه یافتن مقصران مرگ‌بارترین روز در تاریخ اسرائیل است. پیامدهای این حمله همچنان گریبان‌گیر نتانیاهو است و به ابزار اصلی مخالفان تبدیل شده است. لاپید با تأکید بر اینکه اسرائیل در چنین شرایطی به وحدت مانند اکسیژن نیاز دارد، از جریان‌های میانه‌رو خواست پشت سر بنت قرار بگیرند. اما اتحاد اپوزیسیونی که تنها نقطه اشتراکش خصومت با نخست‌وزیر فعلی است، چالش‌های فراوانی در پی خواهد داشت. نتانیاهو همچنان شانس بسیار بالایی برای پیروزی در انتخابات ماه اکتبر دارد.

شکاف‌های ایدئولوژیک در ائتلاف

سابقه همکاری این دو چهره به سال ۲۰۲۱ بازمی‌گردد، زمانی که با توافقی چرخشی به ۱۲ سال حاکمیت متوالی نتانیاهو پایان دادند. بنت در سال نخست سمت نخست‌وزیری را برعهده داشت، اما با فروپاشی ائتلاف، لاپید برای شش ماه پایانی تا زمان بازگشت نتانیاهو، نخست‌وزیر موقت شد. پس از آن مقطع، لاپید رهبری اپوزیسیون را برعهده و بنت از فضای سیاسی فاصله گرفت. در لایه زیرین این اتحاد، تضادهای عمیقی نهفته است. بنت یک یهودی ارتدوکس با دیدگاه‌های سخت‌گیرانه در قبال فلسطینی‌هاست، اما لاپید چهره‌ای سکولار و میانه‌روتر است. با وجود این شکاف‌ها، لاپید اعلام کرد آنها تصمیمات دشواری گرفته‌اند و به هم اعتماد دارند. تشکیل چنین ائتلافی نشان می‌دهد بحران‌های ناشی از تهدیدات مرزی، سیاستمداران متضاد را به یک هم‌گرایی تاکتیکی وادار کرده است.

یادداشت

مذاکرات و بحران در جنوب جهانی

ادامه از صفحه اول

اینکه مقامات ما متوجه بحران در داخل و خارج باشند و انجام اقدامی را در دستور کار داشته باشند یا خیر، مسئله بسیار مهمی است. ایران حق داشت در شرایطی که هدف حمله تجاوزکارانه قرار گرفته بود، ترتیباتی را در تنگه هرمز اتخاذ کند، اما به درازاکشیدن آن، مانند به درازاکشیدن گروگانگیری، جنگ با عراق و موارد متعدد دیگر، حتما به سود ایران نخواهد بود و این بار جنوب جهانی نیز شدیدا ضرر خواهد کرد. از طرفی، بعد از اینکه مذاکرات قالیباف-ونس امیدی را برانگیخت، به نظر می‌رسد مجددا به رویکرد گذشته برگشته‌ایم. ترکیبی از محاصره اقتصادی، مشکلات اقتصادی داخلی و مشکلاتی که متوجه جنوب جهانی است، ایجاب می‌کند که مقامات ما تدبیر جدیدی بیندیشند.

پیامدهای تداوم جنگ در بخش کشاورزی و ناامنی غذایی؛ چالش‌ها و چاره‌ها

ادامه از صفحه اول

● **تقویت حکمرانی غذایی:** تکیه بر داده‌های دقیق و واقعی و پرهیز از تصمیات هیجانی همراه با ایجاد هماهنگی میان نهادهای مختلف، تصمیم‌گیری هوشمند، سریع و مبتنی بر داده، و شفافیت در سیاست‌گذاری، از عوامل کلیدی موفقیت در مدیریت بحران هستند. نقش مدیران استانی و به‌ویژه استانداران در مدیریت و هماهنگی محلی بسیار ضروری و کارساز است. جلب مشارکت مؤثر و صادقانه مردم در فرایند تصمیم‌سازی و تقویت عنصر شفافیت برای احیای اعتماد عمومی در بهبود حکمرانی غذایی در شرایط بحرانی از ضروری‌ترین عناصر حکمرانی است. جنگ اخیر و پیامدهای آن، به‌ویژه در صورت تداوم محاصره بنادر، چالش‌های بی‌سابقه‌ای را برای بخش کشاورزی و امنیت غذایی ایران ایجاد خواهد کرد. اگرچه در کوتاه‌مدت آثار این بحران به طور کامل نمایان نشده، اما در میان‌مدت و بلندمدت، تداوم این شرایط می‌تواند به کاهش تولید، افزایش قیمت‌ها و تشدید ناامنی غذایی منجر شود. مدیریت هوشمندانه منابع، تقویت تولید داخلی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر با استفاده هوشمند از کالابرگ و اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه، ازجمله اقداماتی هستند که می‌توانند به حفظ ثبات سیستم غذایی کشور کمک کنند. در نهایت، امنیت غذایی نه‌تنها یک مسئله اقتصادی، بلکه یک موضوع راهبردی و امنیتی است که نیازمند توجه ویژه در شرایط بحرانی است. همان‌طور که بارها بیان شد، هرگونه اقدام مؤثر در این زمینه نیازمند مشارکت فعال مردم (اعم از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان) در دوران بحران است و این امر در گرو تقویت انسجام اجتماعی از یک سو و تقویت همدلی بین نظام حکمرانی (در سطح ملی، استانی و محلی) و مردم است. نقش رسانه‌ها در بهبود شفافیت و اعتماد عمومی در این راستا ضروری و قطعا نیازمند بازبینی جدی است.

برگ سبز و برگ کمپانی و کلیه مدارک سواری جیلی آزکارامدل ۲۰۲۳ به رنگ سفید شماره شاسی L6T772KD6PU054462 **وشماره موتور** JLH3G15TDP6WA4408361 **و شماره پلاک ۲۲د۶۵۳ایران ۶۰ به نام فاطمه سادات طباطبائی مزرعه‌نو مفقود گردیده و فاقد اعتبار است**

سند سبز خودروی سواری دنا EF7p مدل ۱۴۰۵ به رنگ سفید به شماره پلاک انتظامی ۳۸ ص ۳۴۲ ایران ۷۴ شماره موتور 147H0956894 **شماره شاسی** NAAW91HKATDP37803 **به نام سیده هدی جلیلی جوادزاده شجاعی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.**

برگ سبز خودروسواری هاچ بک کوییک مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید شماره شاسی NAS841100N3387974 **شماره موتور** M15/9435937 **شماره پلاک ۱۹۹ی۲۴ ایران ۴۰ بنام محبوبه تقی زاده شورغستانی مفقودگردیده وفاقد اعتبار می باشد.**

اگهی فقدان

ناصر همتی ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه تصدیق شده اعلام نموده است اسناد مالکیت شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۹۹۰.۹۵ متر مربع به پلاک ۱۱۶۳۰ فرعی از ۱۶۲ اصلی مفروز و باقیمانده از فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی کرج جزء حوزه ثبتی شهرستان فردیس در مورخه ۱۳۷۶.۰۱.۱۱ ذیل شماره ثبت ۴۳۴۱۹۰ و ۴۳۴۱۹۲ و ۴۳۴۱۹۴ صفحات ۱۶۱ و ۱۶۳ و ۱۶۵ دفتر جلد ۱۲۵۰ بنام علی اصغر یزدان مهر نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ و امیر یزدان مهر نسبت به یک دانگ مشاع از ششدانگ و نصرت ساکت پور یزدی نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ ثبت و سند مالکیت به نام ایشان صادر شد و سپس برابر سند ۵۷۶۷۰ مورخ ۱۳۷۶.۰۳.۱۱ دفترخانه ۱۹ کرج به ناصر همتی منتقل گردید حال مالک اعلام نموده که سند بعلت سهل انگاری مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند سه مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور می باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم نماید بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی برابر مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. شناسه آگهی ۲۱۶۳۲۸۷

مهتاب هاشمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فردیس ۷۷۴

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۶۳۵۸ تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد واملاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۲۱۰۰۱۶۰۴۳ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۲ هیات اول‌ادوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای مهدی خیری حبیب آبادی به شناسنامه شماره ۹۰ کدملی ۶۶۰۹۷۸۷۵۳۰ صادره فرزند حسن نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ و طبیه نیسانی نسبت به سه دانگ مشاع یکدرب باغ ، (بدون درج اعیانی با کاربری زراعی - باغی) به مساحت ۹۹۱ متر مربع پلاک شماره ۹۷- اصلی واقع در اصفهان بخش ۲۰ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تائید (انتقال عادی مع الواسطه از طرف آقای کریم قادری که بر اساس گزارش کارشناسی ، بموجب سند رسمی شماره ۱۱۴۳۵۷ مورخ ۷۳/۸/۳۰ دفترخانه ۹۲- اصفهان ، مالک رسمی مشاعی پلاک ۹۷ - اصلی بخش ۲۰ میباشد) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۲/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۲/۰۸
شناسه آگهی: ۲۱۵۰۹۴۹

مهدی صادقی وصفی - رئیس ثبت اسناد و املاک ۲۵۸

شماره: ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۴۰۰۵۹۲۱
تاریخ: ۱۴۰۴/۱۲/۲۷

قوه قضایه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

متن آگهی مفاد رأی برابر رای شماره ۵۴۴۲ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی، مالکیت آقای مرتضی میرزائی به شناسنامه شماره ۱۶۹۸۶ کد ملی ۱۲۸۲۶۳۹۱۵۳ صادره اصفهان فرزند حسن در ششدانگ یک درب باغ ، بدون درج اعیانی و با کاربری کشاورزی (با توجه به نامه اداره جهاد کشاورزی) به مساحت ۴۸۰ متر مربع مفروزی از پلاک شماره ۴۷۸۶ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ حوزه ثبت ملک جنوب اصفهان ، بلاواسطه و به موجب هبه نامه عادی مورخ ۹۹/۱/۲۵ از طرف میرزا حسن میرزائی (مالک رسمی) به متقاضی واگذار گردیده است و آقای میرزا حسن میرزائی در جلسه هیات حاضر و به موجب مشروحه مورخ ۱۴۰۴/۹/۴ واگذاری خود را به متقاضی و نیز تصرفات متقاضی در ملک مورد تقاضا را تایید نموده و با کسر سهام از مالکیت خود در حق متقاضی موافقت نموده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول :۱۴۰۵/۰۱/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۲/۰۸
شناسه آگهی:۲۱۴۹۱۷۷

حسین عینی رئیس ثبت اسناد و املاک ۲۵۹